

64-161

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

۶۴-۱۶۱

Case No.

64

Date of filing:

28-6-85

**** AWARD**

- Type of Award

- Date of Award

pages in English

pages in Farsi

**** DECISION**

- Date of Decision

pages in English

pages in Farsi

**** CONCURRING OPINION of**

- Date

pages in English

pages in Farsi

**** SEPARATE OPINION of**

Mr. Holtzmann

- Date

28 June 85

pages in English

11 pages in Farsi

**** DISSENTING OPINION of**

- Date

pages in English

pages in Farsi

**** OTHER; Nature of document:**

- Date

pages in English

pages in Farsi

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۶۴

شعبه یک حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰

OPINION

Case No: 64

Chamber One

Award No. 180-64-1

سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خواننده.

IRAN UNITED STATES
CLAIMS TRIBUNALدادگاه دآوری دعاوی
ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

D

28 JUN 1985

تاریخ

۱۳۶۴ / ۴ / ۷

No.

64

شماره

نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن در مورد پرداخت هزینه های دآوری

SEPARATE OPINION OF HOWARD M. HOLTZMANN

از اینکه حکم صادره در این پرونده تا حدودی به مسائل مربوط به پرداخت هزینه های دآوری به محکوم له پرداخته است استقبال می کنم. این مفصل ترین تجزیه و تحلیلی است که تا بحال دیوان دآوری راجع به این مطلب انجام داده است و من بمنظور بسط بیشتر این موضوع مطالب ذیل را بطور جداگانه می نگارم.

اول - حق محکوم له در مورد دریافت هزینه های دآوری یک حق معاهده ایست

در آغا زجا دارتاء کیدکنم که حق محکوم له در مورد دریافت هزینه های دآوری منجمله حق الوکاله وکلای خود حق است که همانند محدودیتهای مربوط به همان حق، از بیانیتهای الجزیره ناشی می شود. من از آن جهت برای این مطلب تاکید می کنم که روش تقریباً " غیر منظم و تحقیقا " ناهماهنگی که در گذشته دیوان دآوری در بسیاری از پرونده ها در مورد پرداخت یا عدم پرداخت هزینه های دآوری اتخاذ کرده این واقعیت را از نظر دور می دارد که در این مورد حقوق اساسی مطرح است. (۱)

(۱) حکم صادره در این پرونده بدرستی، نحوه عمل بسیار ناهماهنگی را که این دیوان در

دنبال آن پانویس در صفحه بعد:

حق محکوم له نسبت به هزینه های داوری از آن شرط بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی میشود که مقرر می دارد " ... اجرای امور هیئت طبق مقررات حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین المللی (آنسیترال) خواهد بود مگر در مواردی که توسط طرفین و یا توسط هیئت داوری ... اصلاح میشود" .^(۲) قواعد داوری آنسیترال شامل مقررات مشخص و مفصلی است که مقرر می دارد : دیوان داوری "هزینه های داوری را در حکم خود تعیین خواهد کرد . این مقررات ، هزینه ها را توصیف کرده و با توجه به شروطی چند که ذیلا" مورد بحث قرار خواهد گرفت ، محکوم علیه را ملزم به پرداخت آن هزینه ها می نماید . ماده ۳۸ ، و بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۰ .

دنباله پانویس شماره (۱)

گذشته داشته ، به این شرح خلاصه می کند :

"شعبه دو هرگز حکمی به پرداخت هزینه ها نداده ، شعبه یک تنها در موارد معدودی حکم به پرداخت هزینه ها و آنهم به مبلغ نسبتا" قلیلی داده است . شعبه سه عموما" به نفع محکوم له حکم به پرداخت هزینه ها داده اما مبلغ حکم به مراتب کمتر از میزان مورد مطالبه ورقمی بین ۵،۰۰۰ دلار تا ۲۵،۰۰۰ دلار و در یک مورد ۷۰،۰۰۰ دلار بوده است . در مواردی که حکم به پرداخت هزینه ها داده شده ، دیوان بین حاکم الوکاله و دستیار وی و سایر هزینه ها تمایزی قائل نشده است "

صفحات ۳۶ و ۳۷ حکم . هم چنین رجوع شود به نظر موافق ریچارد م . ماسک در پرونده ویلیام ال . پریرا آسوشیتز ، ایران و جمهوری اسلامی ایران ، ثبت شده در ۱۹ مارس ۱۹۸۴ (۲۸ اسفندماه ۱۳۶۳) ، حکم شماره ۳-۱-۱۱۶ صفحات ۱-۳ (دیوان داوری می بایست حکم به پرداخت کلیه هزینه ها می داد) ، نظر مخالف و موافق هوارد م . هولتزمن در پرونده سی لندسرویس ، اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران ، و دیگران ثبت شده در تاریخ اول نوامبر ۱۹۸۴ (۱۰ آبانماه ۱۳۶۳) ، حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ صفحه ۷۳ (مخالف با انکار غیرموجه پرداخت هزینه ها) .

(۲) بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ، امضاء شده بتاريخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) ، بنده ۳ ماده سه .

این شرایط به استثنای اصلاحاتی چند که به این بحث مربوط نمی شود، بدون تغییر در قواعد دیوان داوری گنجانده شده است. (۳)

بند ۱ ماده ۳۸ قواعد دیوان داوری چنین می گوید:

۱ - دیوان داوری، هزینه های داوری را در حکم خود تعیین خواهد کرد. اصطلاح "هزینه ها" فقط شامل مبالغ زیر خواهد بود:

الف - هزینه های کارشناسی و سایر کمک های ویژه مورد نیاز دیوان داوری در پرونده خاص،

ب - هزینه سفر و سایر هزینه های شهود، به میزانی که دیوان داوری تصویب می کند،

ج - هزینه نمایندگان و دستیاران حقوقی [هزینه وکالت و دستیار حقوقی] طرف موفق مشروط بر اینکه این گونه هزینه ها طی جریان داوری مطالبه شده باشد و تنها به میزانی که به تشخیص دیوان داوری معقول است.

در اینجا یادآوری می شود که بندهای فرعی (الف) و (ب) ماده ۳۸ به هزینه های داوری سوای حق الوکاله مربوط می شود در حالی که بند فرعی (ج) به هزینه های محکوم له بابت وکالت و دستیار می پردازد. و سپس ماده ۴۰ دستور العمل هائی در مورد

(۳) تفاهاتهای مابین مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد داوری آنست که در مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان داوری تنها به مخارج خود دیوان داوری مربوط می شود که مطابق بند ۳ ماده شش بیانه حل و فصل دعای متساویا "توسط دولتین پرداخت می شود و نه توسط طرفین دعوی".

(۴) مفهوم "وکالت و دستیار" حقوقی در ماده ۴ قواعد دیوان داوری ذکر شده و بطرفین دعوی اجازه می دهد که "وکالت آنها را افرادی به انتخاب خودشان برعهده داشته و بوسیله افراد منتخب خویش دستیار می شوند". این مفهوم هم چنین در بند ۱ (ج) ماده ۳۸ قواعد دیوان داوری در قسمت هزینه های "وکالت و دستیار" حقوقی عنوان شده است. معنی اصطلاحات "وکالت" و "دستیار" در تبصره های ماده ۴ قواعد دیوان داوری شرح داده شده است. تبصره ۳ ماده مذکور توضیح می دهد که "... نماینده ای که بدین ترتیب منصوب می شود، مجاز دانسته می شود که در دیوان داوری در مورد کلیه جنبه های پرونده از جانب طرف نصب کننده اقدام نماید و اقدامات وی برای طرف نصب کننده الزام آور خواهد بود". از طرف دیگر طبق تبصره ۳ ماده مذکور "اشخاصی که جهت دستیار انتخاب می گردند ... علی القاعده ... نمی توانند طرف منصوب کننده را متعهد سازند و یا اینکه از جانب او اطلاعیه ها، مراسلات یا اسناد اداریافت نمایند".

چگونگی پرداخت این هزینه‌ها ارائه می‌دهد. ماده مذکور در بند ۱ خود روشی را برای پرداخت هزینه‌های داورى بغير از حق الوکاله مقرر می‌کند که با شرایط مربوط به پرداخت حق الوکاله مندرج در بند ۲ متفاوت است. با پیروی از ساختار قواعد دیوان داورى، اینجانب این دو نوع هزینه را جداگانه مورد بحث قرار می‌دهم.

دوم - هزینه‌ها بغير از حق الوکاله

همانگونه که یادآورى شد، بغير از حق الوکاله دو نوع "هزینه داورى" وجود دارد که دیوان داورى می‌بایست در احکام خود تعیین کند. قواعد دیوان داورى، بند ۱ ماده ۳۸. اولاً، "دیوان داورى باید هزینه‌های هر نوع کارشناسی و همچنین "سایر کمک‌های ویژه موردنیا ز در پرونده خاص" را معین کند. بند ۱ (الف). عبارت "سایر کمک‌های ویژه" جامع بوده و از جمله شامل دستیارى افرادى می‌شود که ترجمه‌های موردنیا ز دیوان داورى را انجام می‌دهند.

ثانياً، "دیوان داورى باید "هزینه سفر و سایر هزینه‌های شهود" را به میزانى که چنین مخارجى را تصویب می‌کند، معین نماید. بند ۱ (الف). این شرط فى نفسه تا حدود زیادی واضح بوده و نه تنها شامل مخارج افرادى می‌شود که شخصاً "در دیوان داورى حاضر می‌شوند بلکه هزینه‌های مربوط به شهودى را در بر می‌گیرد که شهادتشان به شکل سوگندنامه ارائه می‌شود.

بند ۱ ماده ۴۰ قواعد دیوان داورى تصریح می‌نماید که "هزینه‌های داورى مذکور در بندهای ۱ (الف) و ۱ (ب) ماده ۳۸ علی‌الاصول بعهده طرف ناموفق خواهد بود" مع الوصف دیوان داورى می‌تواند "هریک از هزینه‌های مزبور را بین طرف‌ها تسهیم کند، بشرط آنکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال دعوى این تسهیم را معقول بداند". برای مثال، این تسهیم در حالتیکه یک طرف در مورد ادعا و طرف دیگر در مورد ادعای متقابل حاکم شناخته شود، معقول خواهد بود.

البته طرفى که این هزینه‌ها را مطالبه می‌کند باید نشان دهد که واقعاً "آنها را متحمل شده است".

سوم - هزینه‌های مربوط به حق الوکاله

بند ۱ (ج) ماده ۳۸ مندرج در فوق دوا بطه در رابطه با هزینه‌های وکالت و دستکاری محکوم له بدست می‌دهد که دیوان داورى باید آنرا اعمال کند. اول اینکه چنین هزینه‌هایی می‌باید در خلال جریان داورى مطالبه شده باشد و این البته بدان معنی است که ادعای هزینه‌ها می‌بایست بموقع مطرح شده باشد دوم اینکه چنین هزینه‌هایی باید تنها به میزانی که به تشخیص دیوان داورى معقول است "تعیین شود".

در حالی که بند ۱ (ج) ماده ۳۸ این رهنمود را بدست می‌دهد که هزینه‌های معقول و مورد مطالبه محکوم له بابت حق الوکاله بوسیله محکوم علیه پرداخت خواهد شد، بند ۳ ماده ۴۰ با قید اینکه "دیوان داورى باید در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده می‌تواند طرفی را که باید هزینه‌های مزبور را بعهده بگیرد تعیین نموده و یا اینکه این هزینه‌ها را میان طرف‌ها تسهیم کند بشرط آنکه چنین تسهیمی را معقول بداند" تشخیص این موضوع را به دیوان داورى واگذار می‌کند. پروفیسور ساندرز در نظریه معتبر خود در مورد قواعد آنسیترال این مطلب را با مقررات حاکم بر دیگر هزینه‌های داورى مقایسه نموده و می‌نویسد "نه تنها معقول بودن مبلغ مطالبه شده بلکه اساساً "پرداخت یا عدم پرداخت هزینه‌های وکالت و دستکاری حقوقی نیز منوط به نظارت و تصمیم داوران خواهد بود".

P. Sanders, Commentary on UNCITRAL Arbitration Rules

سالنامه داورى تجارى، جلد دوم صفحات ۱۷۳ و ۲۱۶، (۱۹۷۲). پروفیسور ساندرز می‌گوید که در این مورد، قاعده مربوط به حق الوکاله با قاعده کلی بیان شده در بند ۱ ماده ۴۰ که مقرر می‌دارد هزینه‌های داورى علی‌الاصول بوسیله محکوم علیه پرداخت خواهد شد متفاوت است. ایضا "صفحه ۲۱۷". پروفیسور ساندرز توضیح می‌دهد که این عامل تشخیص و صلاح دید بدان جهت در قواعد آنسیترال پیش‌بینی شده که نویسندگان می‌خواستند قواعدی تدوین کنند که بتوان آنها را در اختلافات متنوع به کار برد، یعنی نه تنها در موارد پیچیده بلکه در موضوعات بسیار ساده‌ای که هیچ گونه نمایندگی حقوقی در آنها لازم نیست. بنا بر این اوضاع و احوالی که تحت آن، اعمال این تشخیص مورد

نظر است، محدود است. پروفیسور ساندرز چنین نتیجه گیری می کند که مسئله پرداخت هزینه های داوری محکوم له بوسیله محکوم علیه "بستگی بنظر داوران خواهد داشت که تشخیص دهند آیا طبق شرایط پرونده دستکاری حقوقی ضروری است یا خیر". ایضا "در این رابطه، پروفیسور ساندرز متذکر می گردد که با احتمال زیاد در پرونده های پیچیده بین المللی خدمت وکلای مورد نیاز خواهد بود. ایضا".

بطور خلاصه می توان گفت که قواعد دیوان داوری چهار ضابطه بدست می دهد که دیوان در تعیین میزان حق الوکاله و اینکه چه کسی باید آنها را بپردازد اعمال می کند. ایس ضوابط عبارتند از:

- ۱ - آیا چنین هزینه هایی در خلال جریان داوری مطالبه شده است یا خیر،
- ۲ - آیا استخدام وکیل در آن پرونده ضروری بوده است یا خیر،
- ۳ - آیا میزان چنین هزینه هایی معقول است یا خیر،
- ۴ - آیا بموجب اوضاع و احوال پرونده تسهیم چنین هزینه هایی معقول است یا خیر.

اعمال دو ضابطه اول نسبتاً ساده است. اینکه هزینه ها مطالبه شده است یا نه و اگر مطالبه شده نوع هزینه چیست، را می توان به سهولت با مراجعه به سوابق هر پرونده معین کرد. در مورد ضابطه دوم می توان گفت که با در نظر گرفتن انواع موضوعات حقیقی و حقوقی موجود در پرونده های مطروح در دیوان داوری که مجموعاً "به حقوق بین الملل خصوصی و عمومی مربوط میشود، لزوم استخدام وکیل تا حدود زیادی امریست مسلم.

ضابطه سوم، یعنی اینکه آیا میزان چنین هزینه هایی معقول است یا خیر وظیفه خطیرتری را بر دوش دیوان داوری می نهد، اما ضابطه معقول بودن هزینه ها این نیست که صرفاً "به ذهنیات پرداخته شود. ضوابط عینی معقول بودن دستمزد وکلای خوبی شناخته شده است. چنین ضوابطی نوعاً "وعمدتاً" وقت صرف شده برای پرونده و پیچیدگی آنرا در نظر می گیرد. این روزها معمول است که مقدار وقت لازم برای کار روی پرونده غالباً "وسیله سنجش میزان پیچیدگی آن پرونده قرار می گیرد.

در جائیکه فتوکپی صورت حساب خدمات انجام شده و یا ادله و شواهد مربوطه دیگری که نشان دهنده وقت صرف شده ، روش تهیه صورت حساب بر اساس نرخ ساعتی و شرح کلی خدمات حرفه ای انجام شده باشد به دیوان داورى ارائه می شود کار دیوان شاق و یا مبهم نخواهد بود . حدود نرخ های ساعتی معمول عموماً " شناخته شده است و همانگونه که ادله و شواهد موجود در بسیاری از پرونده های مطروح در دیوان داورى و منجمله این پرونده نشان می دهد ، تفاوت زیادی بین نرخ های ساعتی حق الوکاله در ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپای غربی که هم خواهان ها و هم خواندگان وکلای خود را از آنجا استخدام می کنند وجود ندارد . مقدار روقتی را که هر وکیل بطور معقول برای انجام کار لازم دارمی توان از روی تعداد مسائل موجود در پرونده و مقدار ادله و شواهدی که احتیاج به تجزیه و تحلیل و ارائه در دادگاه انداز گرفت . در حالیکه حق الوکاله نباید بر اساس وزن اوراق موجود محاسبه شود ، در خاتمه رسیدگی دیوان داورى می تواند بر اساس اظهاریه های طرفین ارزیابی نسبتاً " صحیحی راجع به مقدار تقریبی کاری که بطور معقول پرونده لازم داشته ، بعمل آورد .

همچنین دیوان داورى نباید این واقعیت را از نظر دور بردارد که صورت حساب های حقوقی معمولاً " در وهله اول برای بازرگانان ارسال می شود . این واقعیت که عملاً " بازرگانی بدون وقوف به اینکه آیا دیوان داورى مخارج را با زی پرداخت خواهد کرد یا نه ، با پرداخت صورت حسابی موافقت نموده ، نشانه بارزی است از اینکه فرد معقولی که پول خود را شرکت متبوع خود را خرج می کند ، مبلغ صورت حساب را معقول تشخیص می دهد . این ضابطه ضابطه ای است عینی راجع به معقول بودن حق الوکاله (۵)

چهارمین ضابطه ای که باید برای پرداخت هزینه ها در نظر گرفته شود و وجود یا عدم وجود اوضاع و احوالی است که تسهیم هزینه ها را ایجاب می کند . این ضابطه را باید بنحو ساده بکار

(۵) منظور از این بحث عمدتاً " صورت حساب های مربوط به خدمات حرفه ای که دارالوکاله های خارجی یا وکلای مستقل انجام میدهند و نیز هزینه های تبعی اینگونه خدمات است . حکم صادره به مساءله تعیین یا مورد حکم قرار دادن هزینه های مربوط به مشاوران موظف یا کارکنان دولت نمی پردازد و من نیز در اینجا وارد بحث راجع به آن مسائل کاملاً متفاوت نمی شوم .

برد. همانطور که قبلاً ذکر شد، هنگامیکه یک طرف برنده دعوی و طرف دیگر برنده دعوی متقابل است، تسهیم مجاز می‌باشد. بهمین نحو، بعضی از پرونده‌ها متضمن میانی کاملاً مجزا و مستقلند مثل موردی که پیمانکاری بموجب دو قرارداد جداگانه مربوط به پروژه‌های ساختمانی متفاوت طرح دعوی می‌نماید. اگر چنین خواهانی در ادعای مربوط به یک پروژه موفق بوده ولی در ادعای دیگر بازنده شود، تسهیم کلیه حق - الموکاله‌ها با خواهد بود. در جائیکه چنین شرایطی وجود نداشته باشد، مفهوم تسهیم قابل اعمال نیست.

چهارم - کاربرد قواعد دیوان در این پرونده

(الف) هزینه‌ها بغیر از حق الموکاله

اگرچه در دادخواست این پرونده "هزینه‌های داوری ... سیلوانیا در دیوان و حق - الموکاله مطالبه شده، خواهان سوای حق الزحمه وکلای خود و مخارج اتفاقی دار الموکاله‌های مربوطه هیچیک از هزینه‌ها را مشخص نکرده و ادله و شواهدی در این زمینه ارائه ننموده است. در این پرونده، هیچ ادعائی در رابطه با هزینه‌های ترجمه و مخارج شهود مطرح نشده یا مدرکی در تاءیید آن ارائه نشده است.

(ب) حق الزحمه وکلا

خواهان در رابطه با حق الموکاله خود، فتوکپی صورت حساب‌های دار الموکاله‌هایی که وکالت وی را بر عهده داشته‌اند تسلیم نموده است. مبلغ این صورت حساب‌ها ۸۳۰،۰۹۳ دلار بوده و خدمات حرفه‌ای و همچنین پرداخت‌های دار الموکاله‌ها را برای مخارج معمولی از قبیل نسخه برداری، پست و پست سفارشی و غیره، در بر می‌گیرد. این صورت حساب‌ها سه ماهه اول تقویمی سال ۱۹۷۹ تا سه ماهه سوم تقویمی ۱۹۸۴ را در بر می‌گیرد. بابت هزینه‌های قابل انتساب به خدمات وکیل در استخدام شرکت که در دادرسی پرونده شرکت داشته مطالبه‌ای صورت نگرفته است.

خواهان توضیح می‌دهد که صورتحساب‌هایی که بر اساس آنها حق الوکاله مطالبه شده، شامل هزینه‌هایی است که سیلو انجیا "برای طرح دعوی خود در این دیوان دآوری و در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا متحمل شده است" (تاءکید اضافه شده است).

همان‌طور که در بالا ذکر شد، اولین ضابطه‌ای که دیوان باید در رابطه با هزینه‌های حقوقی محکوم‌له، اعمال کند آنست که آیا این هزینه‌ها به دآوری مربوط و بموقع مطالبه شده است یا خیر.

صورتحساب‌های تسلیم شده نشان می‌دهد که تقریباً "۵۶۵,۰۰۰ دلار از کل حق الزحمه حقوقی مطالبه شده مربوط به طرح دعوی در ایالات متحده آمریکا میباشد. بعقیده من، هزینه‌های طرح دعوی خواهان در ایالات متحده آمریکا بدلائل متعددی نباید در این پرونده پرداخت شود. اولاً، این قبیل هزینه‌ها هزینه‌های این دآوری نبوده و بنا بر این مشمول مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان دآوری نمی‌گردند. ثانیاً در دادخواست که بعداً "اصلاح نشد، فقط "هزینه‌های دآوری در دیوان و حق الوکاله" مطالبه شده و به خسارات تبعی مربوط به هزینه‌های طرح دعوی است. از مطالبه اعتبارات اسنادی بوسیله خواننده در ایالات متحده آمریکا اشاره‌ای نشده است. هزینه‌های طرح دعوی در ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در تذکریه خواهان راجع به اثبات خسارات که آخرین لایحه جامع وی بوده و در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۴ آذرماه ۱۳۶۳) به ثبت رسیده ذکر شده و سپس بدون هیچگونه توضیح یا استدلال

(۶) بهمان نحو که بررسی هزینه‌های دادرسی در دادگاه‌های ایالات متحده جزو جریان دآوری محسوب نشده و بنا بر این بموجب مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان نمی‌توان از جهت پرداخت هزینه‌ها به آن‌ها رسیدگی کرد، بهمان ترتیب اقتضاء نمی‌کند موضوع وجود یا عدم وجود هزینه‌های مربوط به اجرای حکم در خارج از جریان دآوری در نظر گرفته شود. بهمین دلیل، من مخالف شرحی هستم که در حکم صادره آمده، یعنی اینکه وجود حساب تضمینی مفتوح به موجب توافق‌های الجزیره با موضوع تعیین میزان معقول هزینه‌های دآوری طبق قواعد دیوان، ارتباط دارد. رجوع شود به: پانویس ۹، صفحه ۳۷ حکم.

حقوقی بیشتر در مورد این که چنین هزینه‌ها می‌توانند مبنای صحیحی برای مطالبه خسارات باشد، این هزینه‌ها فقط فهرست وار ذکر شده است. بنابراین، با توجه به وضعیت شکلی و سابقه این پرونده، دیوان داوری به این سؤال نپرداخته که آیا هزینه‌های خارج از حیطه شمول مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان در موردی که بدرستی درخواست و اثبات گردیده، بهر صورت مبنایی برای خسارات بدست می‌دهد یا خیر.

دومین ضابطه‌ای که باید دیوان داوری بکار گیرد، تعیین لزوم یا عدم لزوم استخدام وکیل از طرف خواهان می‌باشد. شکی نیست که این دعوی متضمن موضوعات حقیقی و حقوقی پیچیده‌ایست. علاوه، خواهان ملزم به دفاع در مقابل دعای متقابلی بمبلغ تقریباً "۴۸ میلیون دلار بوده که به مراتب بیش از مبلغ ادعا بود. تحت این شرایط، استخدام وکیل بطور آشکار ضروری بود. خواهان دودار الوکاله آمریکائی ویک دار الوکاله هلندی را بکار گرفت. همان گونه که در رویه عمل بسیاری از دیوان‌های داوری بین المللی و در تعدادی از پرونده‌های مطروح در این دیوان نشان داده شده تشکیل گروهی از وکلادر پرونده‌های بین المللی که متضمن حقوق و منافع معتنا بهی است کاری غیر معقول یا غیر معمول نیست. اگر چه اغلب خواهان‌ها در این دیوان داوری وکیل هلندی استخدام ننموده‌اند، با در نظر گرفتن این نکته که دهه دعوی پژوهشی بر علیه احکام دیوان داوری بوسیله ایران در دادگاه‌های هلندی به ثبت رسیده است، داشتن وکیل محلی را نمی‌توان امری غیر معقول تلقی کرد. (۷)

سومین ضابطه‌ای که بموجب قواعد دیوان داوری باید بکار رود اینست که آیا مبلغ حق الوکاله مطالبه شده معقول است یا خیر. در این پرونده صورت حساب‌های ارائه

(۷) این ده مورد دعوی پژوهشی بعداً "دا وطلبانه مسترد شد لکن مسأله اساسی مربوط به اعمال قوانین هلند نسبت به رسیدگی‌های دیوان داوری هنوز حل نشده باقی مانده است. رجوع شود به:

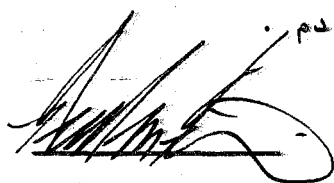
W.T. Lake & J.T. Dana, "Judicial Review of Awards of the Iran-United States Claims Tribunal: Are the Tribunal's Awards Dutch?" Law and policy in International Business, Vol. 16, at 755 (1984)

ظاهراً "خواهان برای اولین بار چند روز بعد از آنکه ایران در تاریخ ۸ آوریل ۱۹۸۳ (۱۹ فروردین ۱۳۶۲) اولین دعوی خود را در دادگاه منطقه لاهه اقامه کرد، وکیل هلندی استخدام نمود.

شده که ساعات صرف شده و نرخهای ساعتی را نشان می دهد و کلاً " نشانگر خدمات انجام شده می باشد . از این صورت حساب ها چنین بر می آید که تقریباً " ۲۶۵،۰۰۰ دلار مخارج خدمات مربوط به این داوری بوده است . دودا را الوکاله از سه دالر الوکاله مربوطه فعالیت های خود را بطور مفصل تر شرح داده اند و شرح جزئیات آنها برای دیوان داوری مفید بوده است . نرخهای ساعتی مندرج در صورت حساب ها در حدود نرخ های متعارف است . تعداد ساعات مندرج در صورت حساب ، با در نظر گرفتن تعداد و کیفیت موضوعات پرونده و اظهاریه های بسیار مفصل و مدارک حجیم ارائه شده از طرف خواهان و هم چنین میزان اظهاریه های خوانده که مستلزم تجزیه و تحلیل بوده است معقول بنظر میرسد . کیفیت مخارج مندرج در صورت حساب نوعاً " شناخته شده بوده و مبلغ آن ها ناچیز است . این نکته که ظاهراً " خواهان بدون توقف به اینکه آیا دیوان چنین حق الزحمه هائی را به او بپردازد خواهد کرد یا نه ، صورت حساب ها را از جیب خود پرداخته ، مؤید معقول بودن مبالغ مزبور می باشد .

و بالاخره ، هیچگونه اوضاع و احوالی از آن نوع که قبلاً " شرح داده شده یعنی اوضاعی که بتواند تسهیم هزینه های حقوقی را بین طرفین مجاز بدارد ، در این پرونده وجود ندارد .

در نتیجه ، بدلائلی که فوقاً " ذکر گردید بدعقیده اینجانب می بایست حکمی به مبلغ ۲۶۵،۰۰۰ دلار بابت مخارج حق الوکاله و دستکاری به نفع خواهان صادر می گردید . مع الوصف از نظر حصول اکثریت ، من به حکم صادره مبنی بر اعطای فقط ۵۰،۰۰۰ دلار بابت این چنین هزینه ها ، رای موافق دادم .



هوارد ام . هولتزمن

لا اله ،

۲۸ ژوئن ۱۹۸۵